

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته تقریب دوم از دلیل چهارم بیان و مورد ارزیابی قرار گرفت، در این تقریب محور استدلال بر تعبیر «تجب علی کل من کان منها علی رأس فرسخین» نهاده شده است. استدلال به این صورت است که تعیین شعاع «دو فرسخ» نشان می‌دهد که انعقاد نماز جمعه امری ساده و شبیه نماز جماعت نیست؛ زیرا اگر برپایی آن امری آسان و بدون شرایط ویژه بود، مانند نماز جماعت می‌توانست در هر نقطه‌ای تکرار شود و نیازی به تعیین محدوده نبود. از این رو، دشواری ذاتی انعقاد، ملازم با لزوم نصب امام جمعه از سوی امام معصوم یا حاکم شرع دانسته شده است. مرحوم آیت‌الله حائری این استظهار را نمی‌پذیرند و می‌گویند دشواری منحصر به فرض نصب نیست؛ زیرا حتی بدون اشتراط نصب، یافتن امام جمعه عادل که بتوان خطابه داشته باشد خود امر دشواری است و نمی‌توان از تعیین فرسخین ملازمه‌ای میان دشواری و لزوم نصب به دست آورد. در پاسخ گفته شده که دشواری انتخاب امام واجد شرایط به مراتب کمتر از نصب حاکم شرع است، لذا پاسخ مرحوم حائری از این جهت مورد خدشه است.

در ارزیابی تقریب دوم می‌توان اشکال دقیق تری بیان کرد با این توضیح که اصل تعیین شعاع «فرسخین» به ملازمه با نصب ربطی ندارد؛ زیرا می‌توان گفت شارع این فاصله را برای حفظ شکوه نماز جمعه، ایجاد اجتماع گسترده و جلوگیری از پراکندگی اجتماعات تعیین کرده است، نه برای دلالت بر سختی یافتن امام جمعه یا لزوم نصب او. بر این اساس، «فرسخین» بیشتر ناظر به تأمین جمعیت قابل توجه در نماز جمعه است و نه اثبات اشتراط نصب امام معصوم یا حاکم شرع در انعقاد آن.

تقریب سوم بر دلیل چهارم

تقریب سوم بر استدلال بر شرطیت امام معصوم (ع) یا منصوب از جانب ایشان در صحت نماز جمعه، مراحلی دارد که در ادامه به بیان آن خواهیم پرداخت؛ نخست آن که شارع مقدس، مکلف واقع در شعاع دو فرسخ را موظف کرده است که در نماز جمعه‌ای که در محل دیگری منعقد شده شرکت کند و در عین حال، اجازه برپایی نماز جمعه مستقلی را در محل سکونت او صادر نکرده است. از سوی دیگر، اگر مکلف می‌توانست در همان محل زندگی خود نماز جمعه را تأسیس کند، این گزینه به روشنی با روح «شریعت سَمَحَه و سَهْلَه» سازگارتر و متناسب‌تر بود. بنابراین، الزام او به حرکت و پیمودن فاصله دو فرسخ، تکلیفی دشوار و نوعاً «حَرَجی» تلقی می‌شود.

بنابراین از این مطلب، استفاده می‌شود که در نماز جمعه منعقد، مصلحت الزامی و ویژه‌ای وجود دارد که در نماز جمعه‌ای که مکلف بخواهد مستقلاً در محل خود تأسیس کند یافت نمی‌شود. این مصلحت، چیزی جز «انعقاد نماز جمعه تحت نصب امام معصوم یا نایب منصوب از سوی او» نیست. نتیجه آن که وجوب سعی به سوی نماز جمعه منعقد، دلالت ضمنی بر لزوم نصب امام در صحت انعقاد نماز جمعه دارد. [1]

نقش قاعده «لا حَرَجَ» در فرآیند جعل و استنباط احکام را می‌توان در دو سطح متمایز بررسی کرد.

سطح نخست ناظر به حکومت قاعده لاجرج بر ادله احکام است؛ بدین معنا که همان‌گونه که لاجرج می‌تواند تکالیف واجب را در موارد عسر و مشقت بردارد یا تخفیف دهد، بر محرّمات نیز حکومت داشته و در شرایط حَرَج، دایره تحریم را محدود می‌کند. این بحث ناظر به قلمرو اجرای لاجرج نسبت به تکالیف فعلی است.

اما سطح دوم، بحثی بنیادین‌تر در مبنای جعل احکام است؛ یعنی این‌که ساختار کلی تشریع در شریعت اسلام بر «سمحه و سهله بودن» استوار است. بر این اساس، اگر فقیه در مقام استنباط در برابر دو راهی قرار گیرد که یکی مطابق با سهولت و سماحت شریعت و دیگری همراه با عسر و مشقت است، مقتضای این مبنا آن است که راه نخست را برگزیند؛ مگر آن‌که دلیل صریح و قطعی بر خلاف آن وجود داشته باشد.

البته در مواردی مانند جهاد یا تکالیف دشوار منصوص، تردیدی در لزوم التزام به همان حکم سخت وجود ندارد؛ زیرا دلیل خاص بر آن دلالت دارد. اما در موارد تعارض ادله که جمع دلالی ممکن نیست و هیچ‌یک از مرجّحات منصوصه، مانند موافقت با قرآن یا مخالفت با عامه، وجود ندارد، «مطابقت با شریعت سمحه و سهله» می‌تواند به‌عنوان یکی از مرجّحات غیر منصوصه به کار گرفته شود.

ترجیح احد المتعارضین بوسیله مقاصد الشریعه

ما سال‌هاست که با جریان «مقاصد الشریعه» به معنای دخالت‌دادن مقاصد در فرآیند استنباط احکام مخالفت کرده‌ایم؛ و هرچه بیش‌تر در فقه تأمل می‌کنیم، این باور تقویت می‌شود که نمی‌توان احکام شرعی را بر پایه مقاصدی که شارع به‌صورت مستقیم در اختیار فقیه قرار نداده است استنباط نمود. بدین معنا که نمی‌توان گفت چون شریعت سمحه و سهله است یا چون آیه «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» دلالت بر آسان‌گیری دارد، پس هر جا شک کردیم هر حکم آسان‌تر را برگزینیم. این تلقی با نظام منضبط عبادات، معاملات و ضوابط تفصیلی شریعت سازگار نیست.

با این حال، استفاده از مقاصد در باب ترجیح میان ادله متعارض یا در مرجّحات باب تراحم کاملاً معقول و پذیرفتنی است. در این موارد، هدف کشف حکم جدید نیست؛ بلکه تشخیص این است که کدام دلیل در دلالت بر مراد شارع اقرب است. و یکی از راه‌های تحصیل این «اقریبیت» توجه به هماهنگی روایت با مقاصد کلان شریعت، از جمله سماحت و سهولت است. بنابراین باید میان استنباط بر اساس مقاصد و ترجیح بر اساس مقاصد تفکیک کرد.

اشکال مرحوم حائری به تقریب سوم

آقای حائری تصریح می‌کنند که این تقریب، «مشتربک‌الورد» است؛ یعنی حتی بر مبنای کسانی که اقامه نماز جمعه را منوط به امام معصوم یا منصوب او می‌دانند نیز همان اشکال وارد می‌شود. توضیح ایشان آن است که اگر ملاک، رعایت شریعت سهله و سمحه برای مکلفان باشد، نتیجه‌اش این خواهد بود که امام معصوم باید در هر مجتمع و منطقه‌ای شخص صالحی را برای اقامه نماز جمعه نصب کند، مگر در مواردی که فاصله دو محل کمتر از یک فرسخ باشد. بنابراین هر پاسخی که طرفداران اشتراط نصب به این اشکال بدهند - مانند نبود فرد صالح یا ترجیح مصالح اجتماعی در مراکز شهرها - عیناً برای کسانی که اشتراط نصب را قبول ندارند نیز قابل استفاده است.

همچنین در زمان خلفای جور نیز این تحلیل کارایی ندارد؛ زیرا در آن عصر، خوف و تهدید حکومت نسبت به برپایی نماز جمعه‌های مستقل، خود به‌تنهایی مانع انعقاد نماز جمعه از سوی امام معصوم در فاصله نزدیک با نماز جمعه رسمی حکومت بوده است. بنابراین عدم تعدد نماز جمعه یا عدم تأسیس نماز جمعه مستقل، نه ناشی از وجود مصلحت ویژه در نماز جمعه منعده، بلکه محصول شرایط سیاسی و خوف از برخورد حکومت بوده است.[2]

بر اساس این دو نکته، حائری نتیجه می‌گیرد که تقریب سوم، توان اثبات ادعای مورد نظر را ندارد؛ زیرا مبانی آن هم در فرض قبول نصب و هم در فرض عدم قبول نصب قابل نقض است، و شواهد تاریخی عصر خلفا نیز مؤید آن نیست.

جمع‌بندی دلیل چهارم

در جمع بندی سه تقریب مذکور در دلیل چهارم و اشکالات و پاسخ های مطرح شده نسبت به آنها، به سه نکته اشاره می کنیم.

1. فرض مبنایی در سه تقریب

سه تقریبی که برای تبیین مفاد صحیح محمد بن مسلم مطرح شد، تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که مفروض بگیریم هر مکلفی که در فاصله دو فرسخی از محل اقامه نماز جمعه قرار دارد، موظف باشد به آنجا برود و نماز را به امام معصوم (ع)، منصوب او یا امام منصوب از سوی حاکم وقت اقتدا کند. تمام این تقریبات بر اساس چنین فرضی قابل تحلیل خواهد بود.

2. محوریت اجتماع، نه تعیین امام

بر اساس این تحلیل، محور حکم در روایت «تحقق اجتماع گسترده» است، نه تعیین هویت امام جمعه. روایت هیچ اشاره‌ای به این ندارد که اقامه‌کننده نماز باید معصوم، منصوب معصوم یا منصوب حاکم باشد. غرض شارع، برگزاری یک نماز جمعه باشکوه در هر محدوده دو فرسخی است، نه تعیین مقام یا شرایط خاص برای امام جمعه. از این رو احتمال حمل حکم بر استحباب مؤکد نیز قابل طرح است.

3. ظهور روایت در بیان شرط مسافت در وجوب نماز جمعه

ظاهر روایت در مقام بیان «وجوب شرکت» در نماز جمعه از جهت مسافت است، نه در مقام بیان «شرط صحت» نماز. بر اساس صدر روایت، مکلفی که در محدوده دو فرسخ قرار دارد، باید در نماز جمعه‌ای که در آن فاصله منعقد شده است شرکت کند؛ اما کسی که خارج از این محدوده باشد، تکلیف به شرکت نخواهد داشت، هرچند تمام شرایط تکلیف از قبیل قدرت، امکان آمدن و نبود حرج را دارا باشد.

این برداشت مؤید سخن پیشین محقق همدانی است که فرموده بود حتی در عصر حضور معصوم (ع)، وجوب تعیینی نماز جمعه شامل همه افراد نمی‌شد، بلکه تنها کسانی را دربر می‌گرفت که در دایره دو فرسخی قرار داشتند.

دلیل پنجم: استدلال به ذیل صحیح محمد بن مسلم

در دلیل پنجم، ذیل صحیح محمد بن مسلم مورد استناد قرار گرفته است. مطابق این تقریر، علت سقوط وجوب از کسانی که خارج از دو فرسخ قرار دارند آن است که آنان غالباً امکان دسترسی به امام یا منصوب او را ندارند و ناچارند نماز را با امام عادی بخوانند؛ و از این نکته استفاده می‌شود که اقامه نماز جمعه مشروط به امام معصوم (ع) یا منصوب اوست.

به بیان دیگر چنین استدلال شده است که اگر وجوب یا صحت نماز جمعه در مناطق دورتر از دو فرسخ مشروط به حضور امام معصوم (ع) یا منصوب او نباشد، باید روایت فرمان دهد که مردم همانجا با امام عادلی از میان خود نماز را برپا کنند، در حالی که فرموده است: «لیس علیه شیء». از این تعبیر نتیجه گرفته‌اند که اقامه نماز جمعه تنها با امام معصوم (ع) یا منصوب او صحیح است. [3]

نقد دلیل پنجم: عدم ظهور روایت در بیان شرط صحت

پاسخ اصلی به این استدلال آن است که روایت اساساً در مقام بیان شرط صحت یا شرط وجوب نماز جمعه نیست. مقصود روایت صرفاً این است که چه کسی مکلف به شرکت در نماز جمعه منعقد است و چه کسی مکلف نیست.

بنابراین، اینکه می‌فرماید: «کسی که زائد بر دو فرسخ است، تکلیفی ندارد» ناظر به رفع وجوب سعی است، نه نفی اصل وجوب

یا صحت نماز در محلّ خودش. در نتیجه، استفاده از ذیل روایت برای اثبات شرطیت «امام» یا «منصوب امام» وجهی نخواهد داشت.

مرحوم حائری این تقریر را با تفکیک «صدر» و «ذیل» روایت نقد کرده‌اند. ایشان ذیل روایت را ناظر به «مفهوم» صدر دانسته‌اند. در صدر روایت موضوع «وجوب سعی» مطرح شده است؛ یعنی شخصی که در فاصله دو فرسخ قرار دارد باید برای حضور در نماز جمعه آن منطقه بشتابد. بر این اساس، ذیل روایت نیز تنها در صدد بیان مفهوم همین حکم است؛ به این معنا که کسی که خارج از این محدوده است، تکلیف به سعی ندارد.

از نگاه ایشان، این مفهوم هیچ‌گونه دلالتی بر سقوط وجوب نماز جمعه در محلّ فرد یا بر شرطیت امام معصوم (ع) یا منصوب او برای انعقاد نماز ندارد؛ زیرا موضوع صدر «سعی» است و مفهوم نیز باید در همان قلمرو فهمیده شود، نه در مقام نفی وجوب یا نفی صحت نماز در محل مکلف. [4]

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] «و منها: أنّ عدم تنبيه الشارع المقدّس على عقد الجمعة في منازلهم، و الحكم بوجوب السّعي من دون الإشارة إلى سهولة عقد الجمعة في منازلهم، لا يناسب. الشريعة السهلة السّاحة إلّا مع عدم المصلحة في ذلك، و كون المصلحة الإلزاميّة متقوّمة بوجوب السّعي إلى الجمعة المنعقدة التي لا فرق بينها و بين ما يعقد في منازلهم على تقدير التنبيه على ذلك، إلّا عدم وجود المنصوب فيه دون الاولى.» (صلاة الجمعة (حائری)، ص 79).
- [2] «و أمّا التقريب الثالث: ففيه أنّه مشترك الورود، فإنّه ربما يرد ذلك، و لو على فرض الاشتراط بالنّصب، إذ مقتضى تسهيل الأمر على العباد نصب من يصلح لذلك في كلّ مجتمع، إلّا إذا كان الفصل أقلّ من فرسخ واحد، فكلّما يفرض أن يكون جواباً لذلك من عدم الرّجل الصّالح لذلك، أو كون الصّلاح في الاجتماع في الأمصار، يكون جواباً لمن لا يشترط النصب. هذا بالنسبة إلى عصر المعصوم. و أمّا بالنسبة إلى عصر خلفاء الجور، فيكفي في ذلك الخوف الشديد من الانعقاد في المسافة القريبة بمحلّ جمعة الخليفة أو المنصوب من قبله. كما هو واضح.» (همان، 99).
- [3] «الخامس: ما دلّ على عدم لزوم الجمعة على من يكون فيما زاد على فرسخين، كذيل الصحيح المتقدّم آنفاً، فإنّه لو لم يكن وجوبها أو صحّتها مشروطاً بالإمام أو المنصوب من قبله لكان الواجب عليه عقد الجمعة و تحصيل شرائطها.» (همان، 80).
- [4] «و أمّا الخامس ففيه: أنّ الحكم بأنّه «ليس عليه شيء» كما في الصحيح المتقدّم [4] ليس – بحسب الظاهر – إلّا التصريح بالمفهوم المستفاد من الصدر، و لا ريب أنّ مفهوم وجوب السّعي إلى الجمعة المنعقدة إن كان المكلف على رأس فرسخين، ليس إلّا عدم وجوب السّعي، لا عدم وجوب صلاة عليه في ظهر ذلك اليوم، فلا ينافي أن يكون الواجب عليه عقد الجمعة، و قلب الفرض الذي هو البعد عن الجمعة بأزيد من الفرسخين، إن تمكّن من ذلك – بأن يفحص عن المنصوب المجاز، و يجيء به إلى محله على القول باشتراطه بذلك، أو يفحص عن الخطيب العادل حتّى يقيم الجمعة، و إن لم يتمكّن، كان عليه الإتيان بأربع ركعات.» (همان، 100).

منابع

حائری، مرتضی، صلاة الجمعة (حائری)، قم – ایران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1418.